

اخبار و گزارش های کارگری 13 مرداد ماه 1405

- ادامه کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام در هفته ۱۳۲ در ۵۹ زندان کشور
- فراخوان به همبستگی جمعی علیه اعدام
- کانون نویسندگان ایران: از بازداشت تا اعدام؛ زنجیره‌ی سرکوب معترضان
- عفو بین‌الملل اعدام میثم ایرندگانی، نوجوان بلوچ، را به‌شدت محکوم کرد
- اخراج تعدادی از پرستاران حق طلب بیمارستان فیاض بخش سازمان تأمین اجتماعی
- کارزار درخواست توقف طرح جدید تغذیه وزارت علوم
- سیاست‌های جمهوری اسلامی در ضدیت با رفاه دانشجویان؛ طرح جدید تغذیه کاهش دسترسی دهک‌های پایین درآمدی به آموزش عالی را تشدید می‌کند
- احضار آزاده سالکی، معلم و فعال صنفی خوفا، برای اجرای حکم یک سال حبس؛ رد درخواست استفاده از پابند الکترونیکی
- صدور حکم بازنشستگی اجباری برای علی‌حسن بهامین، فعال صنفی معلمان یاسوج
- موافقت دادگاه تجدیدنظر کرمان با آزادی مشروط محمدرضا بهزادپور و حسین رشیدی
- آغاز اعتصاب نامحدود کارگران خدمات زمینی فرودگاه بارسلونا در اعتراض به شرایط سخت ، ناایمن و غیر بهداشتی کار
- ادامه اعتراض کارکنان مقابله با ابولا در کنگو نسبت به عدم پرداخت 3 ماه حقوق
- مصدومیت 26 نفر در حادثه آتش‌سوزی شهرک صنعتی شمس‌آباد

*ادامه کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام در هفته ۱۳۲ در ۵۹ زندان کشور

فراخوان به همبستگی جمعی علیه اعدام

همان‌طور که در هفته‌های اخیر شاهد بودیم حکومت بحران‌زا و بحران‌زی حاکم بر جان و زندگی مردم، اعدام‌ها را گسترش داده است. به طوری که از ابتدای مرداد ماه تاکنون ۳۵ تن را اعدام کرده که یکی از اعدام‌شدگان کودک و یک تن دیگر زن بوده‌است. ۲۸ تن از این افراد در فاصله بین ۶ مرداد تاکنون اعدام شده‌اند که ۳ تن از سربداران از معترضان قیام دی‌ماه بودند.

حکومت ولایت فقیه که ادامه حاکمیت خود را در گرو سرکوب و استثمار مردم به خصوص طبقات محروم و زحمت‌کشان قرار داده‌است به بهانه جنگ، زندگی و معیشت مردم را مورد حمله سنگین قرار داده است؛ با اقلیتی معلوم‌الحال خیابان‌ها را شبانه اشغال کرده و به ابتذال کشانده و یگان‌های زرهی و ایست‌های بازرسی را در معابر اصلی مستقر کرده و تلاشی برای توقف جنگ ندارد، زیرا

از جنگ واهمه ندارد و تهدید بیگانه برایش به سان هشت سال جنگ با عراق نعمت تلقی می‌گردد. همه هراس باندهای مختلف حاکم علی‌رغم اختلافات زیاد از پا گرفتن قیام داخلی است. آن‌ها نیک می‌دانند به واسطه شهرهای موشکی می‌توانند در مقابل آمریکا و اسرائیل تا حد امکان زمان بخرند تا بقای خود را تضمین نمایند.

هیچ کشور و قدرت خارجی علی‌رغم جنگ‌افروزی حکومت ایران، حامل صلح، دموکراسی، برابری و حقوق بشر برای ایران و منطقه نیست. ما به عنوان مخالفان اعدام طبیعتاً با جنگ و مداخله خارجی نیز مخالفیم و بارها این را اعلام کرده‌ایم.

رفاه، برابری، آزادی، شادی و نفی هر شکل از استثمار و استبداد تنها به دست مردم و قدرت جمعی ممکن است. به خاطر همین مجتبی خامنه‌ای رهبر دیده نشده مستبد، به وصیت پدرش عمل می‌کند: خدای دهه شصت را فرا می‌خواند و جرثقیل‌های اعدام را به خیابان می‌آورد تا جان امیرحسین صفری و ابوالفضل سپاهی را در ملاءعام بگیرد و جوان ۱۹ ساله، آروین خیرخواهان که از شور زندگی مملو است را در شاهرود اعدام می‌کند و کشتار و قتل عام دی ماه را به این شکل ادامه دهد تا مانع هر شکلی از اعتراض برای تحول انقلابی و بنیادین باشد و نمایندگان در نماز جمعه و صدا و سیما از ثمرات اعدام می‌گویند و جلادان را ستایش می‌کنند. حال هر وجدان بیداری به این می‌اندیشد که اگر این جوانان معترض مجرم و قاتل بودند و در انتظار عمومی به دار کشیده می‌شوند، چرا دادگاه‌های آنها علنی برگزار نشده و مخفیانه شکنجه و محاکمه می‌شوند؟!

اما در مقابل درون زندان‌ها شاهد مقاومتی ستودنی هستیم زندانیان مقاوم و مبارز به اشکال مختلف به روند سرکوب در داخل و خارج زندان‌ها اعتراض می‌کنند به انفرادی می‌روند و تبعید می‌شوند اما تنها وقتی به ظاهر ساکت می‌شوند که بالای دار می‌روند و جاودانه می‌شوند.

این مقاومت مختص زندانیان سیاسی نیست. در دو هفته گذشته، ۱۵۰۰ نفر از زندانیان واحد دو زندان قزل‌حصار با اراده‌ای فولادین بیش از دو هفته اعتصاب غذا کردند و تا عوامل زندان و دادستانی حاضر به تعهد برای توقف اجرای احکام نشدند دست از اعتصاب نکشیدند. از سوی دیگر در ۵۹ زندان کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» با همبستگی ادامه دارد و ما زندانیان عضو کارزار با تشدید اعدام‌ها اراده‌مان برای ادامه کارزار قوی‌تر شده‌است. با توجه به وضعیت فعلی و اینکه روزانه یکی از معترضان از جمله بازداشتی‌های دی ماه را اعدام می‌کنند؛ طرح مساله اعدام برای افکار عمومی ضروری است؛ زیرا اعدام به معنای «سلب حیات» و خشونت دولتی است و در ایران هر اعدامی با هدفی سیاسی و برای ایجاد رعب و وحشت است و اکنون تهدید این عمل ضد انسانی تمام جامعه ایران را فرا گرفته است.

لازم می‌دانیم از تمام سازمان‌ها، احزاب سیاسی، نهادهای حقوق بشری، صنفی و مدنی و از جمله بازنشستگان و شخصیت‌های داخلی و بین‌المللی به خاطر مخالفت با اعدام به صورت عام و حمایت از کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» تشکر و قدردانی نماییم. اما در کمال فروتنی، با توجه به موارد فوق ما انتظار داریم احزاب، سازمان‌ها، جریان‌های سیاسی، حقوق بشری، صنفی و مدنی که مخالف اعدام هستند در دفاع از «حق حیات» و «نه به اعدام» بدون اما و اگر عمل کنند.

با توجه به اینکه ۱۳۲ هفته زندانیان متحدانه کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» را پیش برده و کمترین وظیفه خود را به عنوان زندانی انجام داده و اعضای آن به انفرادی منتقل، ضرب و شتم و اعدام شده‌اند، انتظار می‌رود مخالفان اعدام قدم‌های موثری برای توقف اعدام بردارند و از هر امکانی برای واکنش عملی به اعدام استفاده کنند.

اینکه دادستان حکومت اعدامی مخالفان به اعدام را حتی به صفت اظهارنظر تهدید به مجازات کرده است، نشان از پیشروی جنبش نه به اعدام و اهمیت آن است. پس ضروری است مخالفت با اعدام فراگیرتر شود و تمام محکومان به اعدام چه سیاسی با هر گرایش و چه غیرسیاسی با هر اتهام را شامل شود.

همان‌طور که بارها اعلام کرده‌ایم قدرت ما در همبستگی ماست و با مقاومت و متشکل شدن سد استبداد و اعدام را در هم خواهیم شکست.

اعضای کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» روز سه‌شنبه ۱۳ مرداد ۱۴۰۵ در هفته صدوسی و دوم در ۵۹ زندان زیر در اعتصاب غذا هستند:

زندان اوین (بندهای زنان و مردان)، زندان قزلحصار (واحدهای ۲ و ۳ و ۴)، زندان مرکزی کرج، زندان فردیس کرج، زندان تهران بزرگ، زندان قرچک، زندان خورین ورامین، زندان چوبیندر قزوین، زندان اهر، زندان اراک، زندان لنگرود قم، زندان خرم‌آباد، زندان بروجرد، زندان یاسوج، زندان اسدآباد اصفهان، زندان دستگرد اصفهان، زندان شیپان اهواز، زندان سپیدار اهواز (بندهای زنان و مردان)، زندان نظام شیراز، زندان عادل‌آباد شیراز (بندهای زنان و مردان)، زندان فیروزآباد فارس، زندان دهدشت، زندان زاهدان (بندهای زنان و مردان)، زندان برازجان، زندان رامهرمز، زندان بهبهان، زندان بم، زندان یزد (بندهای زنان و مردان)، زندان کهنوج، زندان طبس، زندان مرکزی بیرجند، زندان مشهد، زندان گرگان، زندان سبزوار، زندان گنبدکاووس، زندان قائمشهر، زندان رشت (بندهای مردان و زنان)، زندان رودسر، زندان حویق تالش، زندان ازبرم لاهیجان، زندان دیزل‌آباد کرمانشاه، زندان اردبیل، زندان تبریز، زندان ارومیه، زندان سلماس، زندان خوی، زندان نقده، زندان میاندوآب، زندان مهاباد، زندان بوکان، زندان سقز، زندان بانه، زندان مریوان، زندان سنندج، زندان کامیاران، زندان ایلام، زندان کرمان، زندان بروجن و زندان نیشابور.

هفته صدوسی و دوم

۱۳ مرداد ۱۴۰۵

#کارزار_سه‌شنبه‌های_نه_به_اعدام

***کانون نویسندگان ایران: از بازداشت تا اعدام؛ زنجیره‌ی سرکوب معترضان**

اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ که در واکنش به وخامت وضعیت معیشتی، فقر گسترده و نارضایتی‌های انباشته‌شده در جامعه شکل گرفت، با سرکوبی خونین پاسخ داده شد. اعتراض‌هایی که با کشته شدن شمار زیادی از معترضان همراه بود، به موج گسترده‌ای از بازداشت‌ها، پرونده‌سازی‌های امنیتی و برخوردهای قضایی علیه معترضان، فعالان و مخالفان انجامید.

در ماه‌های پس از آن، بسیاری از بازداشت‌شدگان با اتهام‌های سنگین امنیتی روبه‌رو شدند؛ پرونده‌هایی همراه با محرومیت از حق دفاع، فشار برای اعتراف و محاکمه‌هایی ناعادلانه شکل گرفتند. اکنون پیامد آن سرکوب‌ها در اجرای احکام اعدام زندانیانی دیده می‌شود که نامشان از میان همان موج گسترده‌ی بازداشت‌ها بیرون آمده است.

اعدام زندانیان سیاسی در ماه‌های اخیر به عنوان یکی از هولناک‌ترین شیوه‌های سرکوب معترضان، فرمان قتل است که پس از بازداشت‌های گسترده، ناپدیدسازی، شکنجه و اعترافات اجباری اکنون به مرحله‌ی اجرا رسیده‌اند.

اجرای این قتل‌ها بخشی از سازوکاری است که در سایه‌ی جنگ و فضای امنیتی حاکم، سرعت بیشتری گرفته است. پشت هر حکم اعدام، انسانی است که پرونده‌اش محرومیت از حق دفاع، فشار برای اعتراف و محاکمه‌هایی از پیش تعیین‌شده را حکایت می‌کند؛ روندی ضدبشری، متداول و رسمیت‌یافته که در کارنامه‌ی جمهوری اسلامی بارها تکرار شده است.

موج اعدام‌های سیاسی، تاکنون جان شماری از زندانیان را گرفته است؛ زندانیانی که نام و سرنوشت آنان بخشی از کارنامه‌ی سرکوب در این دوره است:

مهدی قاسمی، صالح محمدی و سعید داوودی از معترضان بازداشت‌شده دی، بامداد پنج‌شنبه ۲۸ اسفند ۱۴۰۴ در قم اعدام شدند.

اکبر دانشورکار و محمد تقوی سنگ‌دهی روز ۱۰ فروردین ۱۴۰۵ اعدام شدند.

بابک علی‌پور و پویا قبادی نیز در روز ۱۱ فروردین و ابوالحسن منتظر، وحید بنی‌عامریان، در روز ۱۵ فروردین ماه در راستای همین پرونده به جوخه‌ی اعدام سپرده شدند.

حکم اعدام عرفان کیانی، از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی ماه در اصفهان که به اتهام‌های «تخریب و تحریک اموال عمومی و خصوصی، ایجاد رعب و وحشت در سطح شهر، حمل سلاح سرد و حمله به مأموران» بازداشت شده بود، روز ۵ اردیبهشت ماه اجرا شد.

رامین زله و کریم معروف‌پور زندانیان سیاسی کرد، به اتهام «عضویت در گروهک‌های تروریستی تجزیه طلب» و «تشکیل گروه با هدف بر هم زدن امنیت کشور»، «قیام مسلحانه از طریق تشکیل گروه‌های مجرمانه»، «تیراندازی و اقدام به ترور» اردیبهشت ماه ۱۴۰۵ اعدام شدند.

مهدی رسولی، ۲۵ ساله و از معترضان اعتراضات دی ۱۴۰۴ در مشهد، ۱۴ اردیبهشت امسال اعدام شد.

محمد عباسی و احسان افراشته از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی‌ماه به اتهام‌های «کشتن یک نظامی» و «جاسوسی و همکاری اطلاعاتی به نفع اسرائیل» بامداد ۲۳ اردیبهشت سال ۱۴۰۵ اعدام شدند.

علی فهیم جوان معترض بازداشت‌شده در اعتراضات دی‌ماه و یکی از هفت متهم پرونده آتش‌سوزی پایگاه بسیج «محمود کاوه» در شرق تهران، روز ۲۳ اردیبهشت سال ۱۴۰۵ اعدام شد. محمدمین بیگلری، امیرحسین حاتمی و شاهین واحدپرست کلور در ارتباط با همین پرونده اعدام شدند.

حکم اعدام امیرعلی میرجعفری، یکی از معترضان دی ماه که متهم به «آتش زدن مسجد جامع قلهک» بود، در اردیبهشت ۱۴۰۵ اجرا شد.

عباس اکبری فیض‌آبادی، از معترضان بازداشت‌شده در شهرستان نائین در جریان اعتراضات دی ۱۴۰۴، روز ۴ خرداد ۱۴۰۵ اعدام شد.

مهرداد محمدی‌نیا و اشکان ملکی شهروندان اهل قروه کردستان که در جریان اعتراضات دی‌ماه دستگیر شده بودند روز ۱۱ خرداد ماه ۱۴۰۵ اعدام شدند.

مهدی خانکی، از معترضان بازداشت‌شده دی‌ماه ۱۴۰۴ در کرج به اتهام «اقدام عملیاتی به نفع اسرائیل و آمریکا و گروه‌های متخاصم» و «ساخت، تهیه و نگهداری اسلحه و مهمات جنگی و استفاده از آنها» تیرماه ۱۴۰۵ اعدام شد.

عارف خوشکار از بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری ۱۴۰۱ روز ۲۴ تیرماه ۱۴۰۵ اعدام شد.

حکم اعدام عرفان اسفندیاری و گل‌محمد محمدی بامداد ۲۸ تیرماه اجرا شد. آنها در زندان دست‌گردد اصفهان زندانی بودند. به گفته نهادهای حقوق بشری، گل‌محمد محمدی ۲۳ سال و عرفان اسفندیاری ۱۸ سال داشتند.

ابوالفضل سپاهی و امیرحسین صفری حسین‌آبادی بازداشت‌شدگان اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ روز ۵ مرداد در ملاعام در میدان علیخانی اصفهان اعدام شدند.

عزت کاظم‌زاده ورزشکار اهل گرگان روز ۷ مرداد ۱۴۰۵ اعدام شد.

محمدعلی نارویی و محمدبخش شهبخش دو جوان بلوچ در سحرگاه روز ۱۰ مرداد در دامغان اعدام شدند.

آروین خیرخواه جوان اهل مشهد و از معترضان دی‌ماه ۱۴۰۴ روز دهم مرداد ۱۴۰۵ به دار آویخته شد.

حکم اعدام امید بهزاد و پوریا صفوت به اتهام جاسوسی برای اسرائیل، روز ۱۲ مرداد ماه اجرا شد.

برخی از این اعدام‌ها در ملاعام اجرا شد؛ اعدام‌هایی که در سایه‌ی جنگ و فضای امنیتی حاکم، با شتاب و بدون رعایت حق دادرسی عادلانه به اجرا درآمدند.

در کنار این اعدام‌ها، ده‌ها زندانی دیگر نیز همچنان با حکم اعدام یا خطر اجرای قریب‌الوقوع آن روبه‌رو هستند. از جمله این افراد می‌توان به مهدی ظریف، ۲۱ ساله از مشهد و آرین ولی‌پور، ۲۰ ساله اشاره کرد که در جریان اعتراضات دی‌ماه بازداشت شد و پس از صدور حکم اعدام، در زندان تهران بزرگ اقدام به خودکشی کرد.

در پرونده‌ی میدان علیخانی اصفهان، قائم حسینی، امیرحسین ملکی، علی دشتی، شروین باقری، علیرضا سپاهی بادجانی، امیرحسین ابراهیمی و ابوالفضل ابراهیمی با خطر اجرای حکم اعدام

روبهرو هستند. در میان آنها علیرضا سپاهی بادیجانی پس از صدور حکم سخته کرده و به بیمارستان منتقل شد و سپس دوباره به زندان دستگرد اصفهان بازگردانده شد.

عیسی چاری، زندانی بلوچ، نیز از جمله افرادی است که در معرض اجرای حکم اعدام قرار دارد؛ او در جریان اعتراضات دی‌ماه بازداشت شده است.

همچنین برای مجتبی دهبندی و کیانوش همزه‌ای کازرونی به اتهام کمک به معترضان زخمی در جریان اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ حکم اعدام صادر شده است.

در میان دیگر زندانیانی که با خطر اعدام مواجه‌اند، نام بنیامین نقدی از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی‌ماه در شیراز، مهنام نواب صفوی، خواننده‌ی ۲۲ ساله، ارغوان فلاحتی و امیرحسین اکبری منفرد، مهدی روشنی نیز دیده می‌شود.

همچنین شماری از زندانیان سیاسی و عقیدتی، از جمله پخشان عزیزی، زهرا شهپاز طبری، نسیمه اسلام‌زهی، مریم هداوند، مهناز چاردولی، وریشه مرادی و بیتا همتی با احکام اعدام یا خطر اجرای آن روبهرو هستند.

پیمان فرح‌آور شاعر اهل گیلان، مهدی روشنی، فعال سیاسی اهل ایلام، ساغر غلامی، دو برادر اکبر و مهدی عربزاده از بازداشت‌شدگان سال ۱۴۰۴ و کاوه عربیان در یزد نیز از دیگر افرادی هستند که نامشان در میان زندانیان در معرض خطر اعدام مطرح شده است.

***عفو بین‌الملل اعدام میثم ایرندگانی، نوجوان بلوچ، را به‌شدت محکوم کرد**

عفو بین‌الملل اعلام کرد میثم ایرندگانی، نوجوانی از بلوچستان ایران، روز 21 ژوئیه 2026 در زندان ایرانشهر در استان سیستان و بلوچستان اعدام شده است. او هنگام وقوع جرم ادعایی تنها 14 سال داشت.

بر اساس اطلاعات یک منبع مطلع، میثم در حدود ماه مه 2022 در یک درگیری در تعمیرگاه خودرو محل کارش در خاش شرکت داشت که به مرگ یک نفر بر اثر ضربه چاقو انجامید. او پس از آن به اتهام قتل محکوم و به اعدام محکوم شد.

عفو بین‌الملل تأکید کرده است که حقوق بین‌الملل استفاده از مجازات اعدام علیه افرادی را که هنگام وقوع جرم کمتر از 18 سال داشته‌اند، ممنوع می‌کند. این نهاد همچنین اعلام کرد که مقام‌های ایران در سال 2025 نیز یک کودک‌مجرم را اعدام کرده‌اند و افراد دیگری که در زمان وقوع جرم کودک بوده‌اند همچنان در صف اعدام قرار دارند.

عفو بین‌الملل همچنین هشدار داده است که مجازات اعدام در ایران به‌طور نامتناسبی اقلیت‌های تحت ستم، به‌ویژه بلوچ‌ها، کردها و افغان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

این سازمان از مقام‌های جمهوری اسلامی خواست فوراً اجرای اعدام‌های برنامه‌ریزی‌شده را متوقف کرده و یک تعلیق رسمی برای اجرای مجازات اعدام برقرار کنند.

***اخراج تعدادی از پرستاران حق طلب بیمارستان فیاض بخش سازمان تأمین اجتماعی**

روز سه شنبه 13 مرداد، خبر اخراج تعدادی از پرستاران حق طلب بیمارستان فیاض بخش سازمان تأمین اجتماعی، پس از تجمع اعتراضی روز پنج شنبه 8 مرداد نسبت به سطح نازل حقوق، عدم پرداخت بموقع مطالبات و شرایط سخت کاری+، رسانه ای شد.

+ادامه اعتراضات کادر درمان و بهداشت کشور نسبت به سطح نازل حقوق، عدم پرداخت بموقع مطالبات و شرایط سخت کاری با تجمع پرستاران بیمارستان فیاض بخش تهران

روز پنج شنبه 8 مرداد فیلمی در شبکه های اجتماعی منتشر شد که حاکی از ادامه اعتراضات کادر درمان و بهداشت کشور نسبت به سطح نازل حقوق، عدم پرداخت بموقع مطالبات و شرایط سخت کاری با تجمع پرستاران بیمارستان فیاض بخش تهران در این واحد درمانی واقع در تهران، کیلومتر 7 جاده قدیم کرج ، ابتدای خیابان خلیج، می باشد.

***کارزار درخواست توقف طرح جدید تغذیه وزارت علوم**

جمعی از دانشجویان دانشگاه های کشور با راه اندازی و امضای کارزاری، خواستار توقف طرح جدید تغذیه وزارت علوم شدند. آنان با انتقاد از جایگزینی یارانه نقدی به جای تأمین مستقیم غذا، این طرح را به دلیل ناکافی بودن اعتبار در برابر تورم، نبود زیرساخت مناسب، تشدید نابرابری، ابهامات اجرایی، تبعیض جغرافیایی، کاهش نظارت بر کیفیت غذا و محرومیت برخی دانشجویان، نامناسب دانسته و خواستار ادامه فعالیت سلف های دانشگاهی به شیوه سابق شدند.

#نه_به_پولی_سازی_دانشگاه

karzar.net/329754

صنف مستقل دانشجویان بهشتی

***سیاست های جمهوری اسلامی در ضدیت با رفاه دانشجویان؛ طرح جدید تغذیه کاهش دسترسی دهک های پایین درآمدی به آموزش عالی را تشدید می کند**

مطابق طرح جدید تغذیه دانشجویی که قرار است از مهرماه اجرایی شود، تمامی سلف های مرکزی جمع آوری شده و به جای آن اعتباری به دانشجویان تخصیص داده می شود تا غذای خود را از رستوران ها و مراکز طرف قرارداد تهیه کنند.

در شرایطی که یکی از دلایل اجرای این طرح کمبود منابع عنوان می شود، یکی از وزارتخانه های جمهوری اسلامی به صراحت عنوان کرده است که دارایی های راکد دانشگاه در خدمت رفاه دانشجویی به کار گرفته نمی شود و مسئله سیاست گذاری رفاهی تنها محدود به کمبود منابع نیست.

در گزارش سیاستی هجدهم «رفاه دانشجویی؛ بازخوانی یک چالش» که در بهمن ۱۴۰۴ توسط وزارت کار منتشر شد به صراحت آورده شده که چالش پیش روی نظام آموزش عالی کشور صرفاً کمبود پول نیست، بلکه ترکیبی پیچیده از تعدد نهادهای تصمیم گیر، فرسودگی زیرساخت ها و نبود سازوکار پایدار تأمین مالی است.

در این گزارش بیان شده که زیان پنهانی بالغ بر ۱۳۳ میلیون تومان به دلیل اختلال در فرآیند مولدسازی دارایی‌های صندوق رفاه به دانشجویان تحمیل شده که معادل کاهش ارائه خدمات رفاهی به ده‌ها هزار دانشجو است. همچنین حداقل ۹۵ ملک راکد وجود دارد که می‌توانست در راستای افزایش ظرفیت مورد نیاز خوابگاهی دانشجویان باشد.

این گزارش نشان می‌دهد که مسئله رفاه دانشجویی در ایران بیش از آنکه ناشی از کمبود منابع باشد، ریشه در نابرابری و مشکلات ساختاری در سیاست‌گذاری دارد. یکی از تکان‌دهنده‌ترین یافته‌های گزارش این است که ۵۸.۸ درصد صندلی‌های دانشگاه‌های دولتی در اختیار سه دهک بالای درآمدی قرار دارد، در حالی که سهم سه دهک پایین تنها حدود ۵.۶ درصد است. این شکاف عمیق طبقاتی نشان می‌دهد که یارانه‌های آموزش عالی که منطقی‌اً باید به کاهش نابرابری اجتماعی کمک کنند و ابزاری تحرک اجتماعی باشد، در عمل بیشتر به نفع اقشار برخوردار توزیع می‌شوند و دسترسی گروه‌های کم‌درآمد به آموزش عالی دولتی همچنان محدود است.

جالب است که گزارش وزارت رفاه در آخر تایید می‌کند که رفاه دانشجویی اساساً در اولویت سیاست‌گذاری آموزش عالی قرار ندارد. ترکیب نابرابر پذیرش دانشجویان، هدفمند نبودن حمایت‌های رفاهی و استفاده نکردن از ظرفیت دارایی‌های دانشگاهی در خدمت افزایش رفاه، نشان می‌دهد که رفاه دانشجو هیچ جایگاهی در نظام تصمیم‌گیری جمهوری اسلامی ندارد.

این مساله در طرح جدید تغذیه دانشجویی نمایان است. چراکه مشخص است در این طرح رفاه دانشجو در اولویت سیاست‌گذار نیست و با اجرای این طرح، بار تورم به دوش دانشجو منتقل می‌شود. در چنین شرایطی، بخش عمده دهک‌های پایین درآمدی به دلیل ناکافی بودن اعتبار تغذیه تخصیص‌یافته نمی‌توانند هزینه غذا را از جیب خود پرداخت کنند و در این مسیر ممکن است از ادامه تحصیل صرف نظر کنند. در چنین شرایطی، طرح جدید تغذیه کاهش دسترسی دهک‌های پایین درآمدی به آموزش عالی را تشدید می‌کند و آموزش به‌مثابه ابزاری برای تحرک اجتماعی، کارکرد خود را بیش از پیش از دست می‌دهد.

برگرفته از کانال دانشجویان متحد

***احضار آزاده سالکی، معلم و فعال صنفی خواف، برای اجرای حکم یک سال حبس؛ رد درخواست استفاده از پابند الکترونیکی**

بر اساس اطلاعات رسیده به شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران و تصویر ابلاغیه موجود، آزاده سالکی، معلم و فعال صنفی فرهنگیان شهرستان خواف در استان خراسان رضوی، برای اجرای حکم یک سال حبس تعزیری احضار شده است. در ابلاغیه صادرشده از شعبه اول اجرای احکام کیفری دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان خواف، برای مراجعه جهت اجرای حکم، مهلت دهم‌روزه تعیین شده و تأکید شده است که عدم حضور می‌تواند به جلب وی منجر شود.

اتهام مندرج در این پرونده، «فعالیت تبلیغی علیه نظام» عنوان شده است. بنا بر گزارش رسیده، خانم سالکی با توجه به شرایط زندگی و بیماری قلبی درخواست استفاده از پابند الکترونیکی به جای تحمل حبس در زندان را مطرح کرده بود، اما این درخواست مورد موافقت قرار نگرفته است.

آزاده سالکی پیش‌تر نیز در دی‌ماه ۱۴۰۴ بازداشت و حدود یک ماه در بازداشت و زندان نگهداری شد و سپس با تودیع وثیقه سه میلیارد تومانی به‌طور موقت آزاد شد. همچنین وی در سال ۱۴۰۱، زمانی که در تربت‌حیدریه مشغول به کار بود، در پی فعالیت‌های صنفی و اظهاراتش در کلاس درس، با یک ماه تعلیق از کار مواجه و پس از آن به شهرستان خواف منتقل شده بود.

احضار این معلم برای تحمل حبس در حالی صورت می‌گیرد که فعالان صنفی در شهرهای کوچک، به دلیل محدودیت شبکه‌های حمایتی و رسانه‌ای، با فشار مضاعفی مواجه‌اند و صدای آنان کمتر به فضای عمومی راه پیدا می‌کند. استمرار پرونده‌سازی و صدور احکام زندان برای معلمانی که فعالیت‌هایشان در حوزه مسائل صنفی، آموزشی و اجتماعی بوده است، بخشی از روند نگران‌کننده افزایش فشار بر فعالان مستقل فرهنگیان است.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران صدور و اجرای حکم زندان علیه آزاده سالکی را محکوم می‌کند و تأکید دارد که فعالیت صنفی، بیان دیدگاه و دفاع از حقوق معلمان و دانش‌آموزان نباید با پرونده‌های امنیتی و مجازات حبس پاسخ داده شود.

شورا همچنین رد درخواست استفاده از پابند الکترونیکی با وجود گزارش بیماری قلبی خانم سالکی را اقدامی غیرقابل‌قبول می‌داند و مسئولیت هرگونه آسیب احتمالی به سلامت وی را متوجه نهادهای مسئول می‌داند.

شورای هماهنگی خواهان توقف اجرای حکم، لغو محکومیت آزاده سالکی و پایان دادن به پرونده‌سازی و برخوردهای امنیتی با فعالان صنفی معلمان است. هیچ معلمی نباید به دلیل فعالیت صنفی و مدنی راهی زندان شود.

***صدور حکم بازنشستگی اجباری برای علی‌حسن بهامین، فعال صنفی معلمان یاسوج**

بر اساس اسناد رسیده به شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، علی‌حسن بهامین، معلم و فعال صنفی فرهنگیان یاسوج، با رأی هیأت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان آموزش و پرورش استان کهگیلویه و بویراحمد، به «بازنشستگی با تقلیل دو گروه» محکوم شده است.

در متن رأی، فعالیت‌های صنفی آقای بهامین از جمله حضور در تجمعات صنفی فرهنگیان در یاسوج و شیراز، حضور در تجمع مقابل استانداری کهگیلویه و بویراحمد، فعالیت در فضای مجازی، بازنشر بیانیه فعالان صنفی و عضویت و فعالیت در کانون صنفی فرهنگیان، از جمله موارد استنادی پرونده ذکر شده است.

در بخش دیگری از مستندات پرونده، از دعوت از همکاران برای حضور در تجمعات صنفی، حمایت از مطالبات فرهنگیان و انتشار مطالب مرتبط با فعالیت‌های صنفی به عنوان مصادیق تخلف یاد شده است. هیأت بدوی نیز با استناد به همین موارد، رأی به بازنشستگی اجباری وی با تقلیل دو گروه داده است.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، صدور حکم بازنشستگی اجباری برای علی‌حسن بهامین را محکوم می‌کند.

آنچه در این پرونده به عنوان مستندات صدور حکم ذکر شده، در بخش قابل توجهی چیزی جز فعالیت صنفی، شرکت در تجمعات مطالبه‌محور، دعوت و همراهی با همکاران و بیان و انتشار دیدگاه‌های صنفی نیست. تبدیل چنین فعالیت‌هایی به پرونده تخلفات اداری و استفاده از موقعیت شغلی و معیشتی معلمان به عنوان ابزار فشار، ادامه همان رویکردی است که می‌کوشد هزینه فعالیت مستقل صنفی را هر روز سنگین‌تر کند.

شورای هماهنگی تأکید می‌کند بازنشستگی اجباری، اخراج، تبعید، تنزل رتبه و دیگر مجازات‌های اداری علیه معلمان، نمی‌تواند مطالبه‌گری جامعه فرهنگیان را متوقف کند. حق تشکلیابی، تجمع مسالمت‌آمیز، بیان اعتراض و دفاع از حقوق معلمان و دانش‌آموزان، حقوقی بنیادی است و نباید به بهانه‌ای برای مجازات شغلی تبدیل شود.

شورای هماهنگی خواهان لغو فوری رأی صادرشده علیه علی‌حسن بهامین، توقف برخوردهای اداری و امنیتی با فعالان صنفی و پایان دادن به سیاست پرونده‌سازی علیه معلمان مطالبه‌گر است.

***موافقت دادگاه تجدیدنظر کرمان با آزادی مشروط محمدرضا بهزادپور و حسین رشیدی**

بر اساس گزارش رسیده به شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران و رأی صادرشده از شعبه هفتم دادگاه تجدیدنظر استان کرمان، با درخواست آزادی مشروط محمدرضا بهزادپور و حسین رشیدی، از معلمان و فعالان صنفی استان کرمان، موافقت شده است.

این دو فعال صنفی پس از تحمل یک‌سوم دوران محکومیت خود مشمول آزادی مشروط شده‌اند. در رأی دادگاه نیز با اشاره به سپری شدن بیش از یک‌سوم مدت حبس و احرار شرایط قانونی، با آزادی مشروط آنان موافقت شده است.

محمدرضا بهزادپور و حسین رشیدی پیش‌تر در ارتباط با فعالیت‌های صنفی و پرونده‌های تشکیل‌شده برای فعالان فرهنگیان استان کرمان به حبس محکوم و برای اجرای حکم روانه زندان شده بودند.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران ضمن استقبال از آزادی مشروط این دو همکار، تأکید می‌کند که اساساً فعالیت صنفی و مطالبه‌گری معلمان نباید با تشکیل پرونده، صدور حکم و زندان پاسخ داده شود. آزادی مشروط نمی‌تواند اصل ناعادلانه بودن حبس معلمان به دلیل فعالیت‌های صنفی و مدنی را تحت‌الشعاع قرار دهد.

شورای هماهنگی بار دیگر خواهان آزادی بی‌قیدوشرط تمامی معلمان و فعالان صنفی زندانی، لغو احکام صادرشده و پایان دادن به پرونده‌سازی علیه فعالان مستقل صنفی است.

***آغاز اعتصاب نامحدود کارگران خدمات زمینی فرودگاه بارسلونا در اعتراض به شرایط سخت ، ناایمن و غیر بهداشتی کار**

روز سه‌شنبه 4 اوت، اعتصاب نامحدود کارگران شرکت Groundforce در فرودگاه بارسلونا – ال‌پرات – آغاز شد. حدود 1179 کارگر این شرکت که مسئولیت بخش‌هایی از خدمات زمینی، جابجایی بار، پذیرش و سوار کردن مسافران و پشتیبانی پروازها را برعهده دارند، در این اعتصاب شرکت کرده‌اند.



کارگران و اتحادیه CGT نسبت به افزایش فشار کاری، کمبود نیروی انسانی، خستگی، شرایط نامناسب ایمنی و بهداشت کار، آموزش ناکافی نیروهای جدید و مشکلات مربوط به اضافه کاری اعتراض دارند. اتحادیه تأکید کرده است که شرایط کنونی خطر حوادث کاری را افزایش داده و نیازمند تغییر فوری است.

اعتصاب از همان روز نخست بر فعالیت فرودگاه اثر گذاشت و دستکم 20 پرواز لغو و شماری دیگر با تأخیر مواجه شدند. با توجه به نامحدود بودن اعتصاب، احتمال ادامه اختلال در روزهای آینده وجود دارد.

وزارت حمل و نقل اسپانیا برای جلوگیری از فلج شدن کامل خدمات، حداقل خدماتی را تعیین کرده است که بسته به نوع پرواز بین 35 تا 80 درصد متغیر است. برآوردهای رسمی نشان می‌دهد در صورت ادامه اعتصاب، حدود 2 میلیون مسافر ممکن است در ماه‌های اوت و سپتامبر تحت تأثیر قرار گیرند.

اعتصاب کارکنان Groundforce بار دیگر نشان می‌دهد که ایمنی، سلامت و شرایط انسانی کار، در کنار دستمزد و قرارداد، از مطالبات اساسی جنبش کارگری است و کارگران برای دفاع از این حقوق همچنان از ابزار اعتصاب استفاده می‌کنند.

***ادامه اعتراض کارکنان مقابله با ابولا در کنگو نسبت به عدم پرداخت 3 ماه حقوق**

روز سه شنبه 4 اوت، اعتراض‌ها در چند مرکز درمانی شرق کشورکنگو ادامه یافته و عملیات مقابله با بیماری را با مشکل روبرو کرده است.

کارکنان فعال در عملیات مقابله با ابولا در شرق جمهوری دموکراتیک کنگو، در روزهای اخیر بار دیگر دست به اعتراض زده‌اند. آنها خواهان پرداخت حقوق و مطالباتی هستند که به گفته خودشان نزدیک به 3 ماه پرداخت نشده است.



ده‌ها نفر از کارکنان بهداشت در مراکز درمان ابولا در بونیا، رومپارا و مونگوالو در استان ایتوری، روزهای یکشنبه و دوشنبه در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق و مطالبات تجمع کردند. این اعتراض‌ها در حالی رخ می‌دهد که عملیات مهار شیوع ابولا در منطقه با مشکلات امنیتی و محدودیت‌های عملیاتی نیز روبروست.

در مونگوالو، کارکنان موسوم به «فرشتگان نگهبان» نیز نسبت به پرداخت نشدن دستمزدها و کاهش برخی مزایا اعتراض کرده‌اند. گزارش‌های محلی از نگرانی درباره تأثیر این وضعیت بر ادامه فعالیت‌های مقابله با ابولا خبر می‌دهند.

این اعتراض‌ها فقط یک مطالبه مالی نیست؛ توقف یا کاهش فعالیت کارکنان درمانی می‌تواند مستقیماً بر مراقبت از بیماران، مراقبت‌های پیشگیرانه و کنترل زنجیره انتقال بیماری‌هاثر بگذارد. از این رو، پرداخت منظم دستمزد کارکنانی که در خط مقدم مقابله با یک بیماری خطرناک فعالیت می‌کنند، بخشی جدایی‌ناپذیر از تأمین سلامت عمومی است.

اعتراض تازه کارکنان نشان می‌دهد که مسئله‌ای که پیش‌تر درباره آن گزارش داده بودیم هنوز حل نشده و اکنون به چند مرکز درمانی گسترش یافته است. تداوم این وضعیت، در کنار ناامنی موجود در شرق کنگو، فشار بیشتری بر کارکنان بهداشت و عملیات مهار ابولا وارد می‌کند.

***مصدومیت 26 نفر در حادثه آتش‌سوزی شهرک صنعتی شمس‌آباد**

آتش‌سوزی و انفجار روز سه شنبه 13 مرداد، در یکی از واحدهای صنعتی شهرک صنعتی شمس‌آباد واقع در کیلومتر 40 آزادراه تهران قم - مجاور شهر حسن آباد دست‌کم ۲۶ مصدوم بر جای گذاشت.

براساس آخرین گزارش‌های رسانه‌ای شده، این حادثه در سه سوله یک کارخانه تولید تینر رخ داد و شدت انفجار به حدی بود که پایگاه اورژانس نزدیک محل حادثه نیز آسیب جدی دید. نیروهای امدادی و آتش‌نشانی در محل حاضر شدند و آتش پس از عملیات اطفاء و لکه‌گیری مهار شد.

آمار مصدومان در گزارش‌های اولیه ۲۶ نفر اعلام شده بود، اما با ادامه عملیات امدادی، شمار مصدومان به 26 نفر افزایش یافت. تاکنون گزارشی از فوت کارگران یا دیگر افراد حاضر در محل منتشر نشده است.

علت دقیق آتش‌سوزی هنوز از سوی مقام‌های مسئول اعلام نشده و بررسی درباره چگونگی وقوع حادثه ادامه دارد.

akhbarkargari2468@gmail.com